

بررسی ارتباط بین مدیریت سود و خوانش پذیری گزارشات مالی سالانه: مطالعه

تجربی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

جلال اسپوکه^۱ و احمد خاکساران^۲

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد و دانشجوی دکترای تخصصی حسابداری دانشگاه آزاد

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز و دانشجوی دکترای تخصصی حسابداری دانشگاه آزاد

چکیده

مدیران شرکتها با استفاده از گزارشات مالی سالانه و با واژگانی که در گزارشات مالی استفاده می‌کنند، اقدام به شفاف‌سازی وضعیت مالی شرکت می‌نمایند، از سویی نیز این ابزار ارائه گزارش می‌تواند بوسیله پیچیدگی واژگانی منجر به سوگیری در ارائه گزارشات مالی و همچنین مدیریت سود شرکت شود. دوره زمانی پژوهش، ۱۳۹۵-۱۳۹۲ بوده و ۷۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در حالت تلفیقی (ترکیبی)، از مدل رگرسیونی چند متغیره در نرم-افزار اقتصادسنجی Eviews استفاده شده است. در این پژوهش، از متغیر وابسته قابلیت خوانایی گزارشات مالی، متغیر مستقل مدیریت سود استفاده گردید. از متغیرهای کنترلی شامل اهرم مالی، اندازه شرکت و نسبت ارزش بازار به دفتری نیز استفاده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده از این تحقیق مشخص می‌شود بین قابلیت خوانش گزارشات مالی و مدیریت سود شرکت ارتباط معناداری وجود دارد و در نهایت فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: خوانایی گزارشات مالی، مدیریت سود، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، اوراق بهادار تهران.

۱. مقدمه

یکی از منابع مهم اطلاعاتی، اطلاعات حسابداری مالی است که جهت تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار می‌گیرد، از مهم‌ترین اقلام حسابداری که در گزارش‌های مالی تهیه و ارائه می‌شود، سود خالص است. معمولاً سود خالص به عنوان مبنایی برای محاسبه مالیات، عاملی برای تدوین سیاست‌های تقسیم سود و راهنمایی برای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری به حساب می‌آید (دستگیر و همکاران، ۱۳۸۹). پژوهش‌های متعددی از جمله پژوهش‌های بال و براون (۱۹۶۸)، دیچو (۱۹۹۴) نشان داد که اعلام سود حسابداری بر قیمت سهام مؤثر است و سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی است.

یکی از روش‌های دستکاری سود شرکت استفاده از اقلام تعهدی است، زیرا حسابداری تعهدی حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره‌های زمانی متفاوت اعطا می‌کند. در واقع، مدیران در سامانه حسابداری تعهدی، با گزینه‌های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمدها و هزینه‌ها روبه‌رو هستند، از جمله تشخیص سریع‌تر درآمد از طریق انجام فروش نسبی (تئو و همکاران، ۱۹۹۸).

گزارشات مالی محصول نهایی سیستم حسابداری بوده و به علت اهمیتی که برای استفاده کنندگان به خصوص صاحبان سهام دارد روندی رو به رشد داشته و همواره مورد توجه انجمن‌های مختلف حسابداری بوده است. قبل از تشکیل کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) اغلب مؤسسات و واحدهای تجاری بصورت داوطلبانه گزارشات مالی خود را تهیه و منتشر می‌کردند. علت این افزایش ارادی را می‌توان جلب اعتماد عمومی، معرفی مؤسسه به عموم و سرمایه‌گذاران و در نهایت جلب سرمایه و سرمایه‌گذاران دانست اما پس از بحران ۱۹۲۹ و پس از تأسیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار در سال ۱۹۳۳ گزارشگری مالی بصورت یک الزام قانونی برای مؤسسات درآمد. در رابطه با الزامات گزارشگری مالی این نکته نیز حائز اهمیت است که علاوه بر الزامات کمیسیون بورس و اوراق بهادار الزامات دیگری نیز جهت گزارشگری مالی وجود دارد که به الزامات بازار معروفند و عبارتند از الزامات بازار سرمایه و الزامات بازار کار (فاستر، ۱۹۸۶).

از دیرباز موضع شرکتها در مورد گزارشگری مالی این بوده که اطلاعات را در کمترین حد ممکن منتشر کنند تا از اعطای فرصت بهره‌برداری بیشتر به رقبا جلوگیری شود. بنابراین در رابطه با گزارشگری مالی همواره دو چالش بزرگ پیش روی مدیران واحدهای تجاری وجود داشته که یکی از آنها چگونگی برقراری تعادل بین شفافیت گزارشات مالی و عدم ارائه بیش از حد اطلاعاتی بوده و دیگری اینکه اطلاعات به چه میزان، برای چه کسانی و در چه مواقعی باید منتشر شود (صیدی، ۱۳۸۴).

گزارشهای مالی از مهمترین منابع اطلاعاتی است که هدف آن فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیریهای اقتصادی می‌باشد و بخش اعظمی از نیاز اطلاعاتی بازار سرمایه را تأمین می‌کند. متأسفانه در سالهای پایانی قرن بیستم میلادی و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم، ورشکستگی شرکتهای عظیم نظیر انرون، وردکام، آدلفی، سیکو، لیوسنت و زیراکس، سیستم گزارشگری مالی را با بحران مواجه کرد. ورشکستگی چنین شرکتهایی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری و گزارشگری مالی شد، به طوری که در موارد متعدد از این وقایع به عنوان رسوایی حسابداری یاد شد. اما این خاتمه کار نبود، بلکه سیستم گزارشگری مالی به دلیل خدش هدار شدن اعتبار آن، همواره در جلب اعتماد عمومی با بحرانهایی مواجه شد (بولو، ۱۳۸۶). افزایش شمار تقلبها که با ورشکستگی شرکتهای بزرگ در هم آمیخته بود، نگرانیهایی را درباره کیفیت گزارشهای مالی به همراه داشت. حرفه حسابداری و حسابرسی در راستای چاره جویی در این خصوص به تدبیر راهکارهایی همت گمارد. تغییر رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد به استانداردهای مبتنی بر اصول، تأکید بر استقلال حسابرسان و حاکمیت شرکتی برای حمایت از منافع سهامداران جزء و تنظیم مقررات انتظامی حرفه حسابداری و حسابرسی از جمله تدابیر اتخاذ شده برای جلب اعتماد عمومی بود. از سوی دیگر، صاحبانظران و اندیشمندان دانشگاهی نیز به سهم خود، سمت و سوی تحقیقات تجربی را به کیفیت گزارشگری مالی و اثرات آن بر بازار سرمایه سوق دادند تا بلکه بتوانند در این خصوص نقش مفیدی را ایفا نمایند. در حال حاضر در ارتباط با کیفیت گزارشگری مالی و اندازه گیری آن و نیز تأثیر دستور

العمل ها و استانداردهای حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی تحقیقاتی در حال انجام است. بسیاری از، این تحقیقات، کیفیت گزارشگری مالی شرکتها را با دیدگاه رویکرد رویدادی صرفاً به استانداردها و رهنمودهای حسابداری و گزارشگری مالی نسبت داده و در صدد تبیین کیفیت گزارشگری مالی از منظر دستورالعملهای بیرونی ناظر بر آن برآمده اند. اما با وجود مکانیزه های نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکتها، به نظر می رسد کیفیت گزارشگری مالی آنها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در کیفیت گزارشگری مالی شرکتها می گردد. با توجه به مبانی مطرح شده در این تحقیق تلاش می شود ارتباط بین مدیریت سود و خوانش پذیری گزارشات مالی سالانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

۲. مبانی نظری و پیشینه تجربی تحقیق

در عصر کنونی انبوهی از اطلاعات در اختیار سرمایه گذاران قرار دارد. سرمایه گذاران نیز به شکلی منطقی به اطلاعات جدید واکنش نشان می دهند. در این بین اطلاعات مالی شرکت بویژه صورتهای مالی از اهمیت بسزایی برخوردار است. شفافیت یا پیچیدگی در اطلاعات دریافتی از سوی سرمایه گذاران منجر می شود که آنان واکنشی صحیح به اطلاعات داده و قیمت سهام به ارزش ذاتی آن نزدیک گردد. انتشار صورتهای مالی پیچیده از سویی نیز افشای بیشتری را از سوی شرکتها الزام خواهد کرد. صورت های مالی یک چارچوبی نظاممند برای افشای اطلاعات حسابداری شرکتها می باشد و بحث و تحلیل هایی فراهم می آورد که نتایج مالی را تشریح می سازد. بنابراین، پیچیدگی در حال رشد قوانین حسابداری و زبان تشریحی مبسوط برای صورتهای مالی شرکت منجر به ایجاد حساسیتهایی در ارتباط با تأثیرگذاری این نوع افشاها در انتقال اطلاعات به سهامداران می شود. بسیاری از اندیشمندان و فعالان استدلال کرده اند که پیچیدگی فزاینده این افشاها این موضوع را برای مدیریت سخت کرده است که بتوانند هر موضوعی را مورد توجه سرمایه گذاران قرار دهند. همگام با این بحث ها ادبیات تحقیق در حال رشد نشان داده است که صورت های مالی غیرشفاف به صورت منفی بر محیط اطلاعاتی تأثیر دارد. برای مثال، شواهد تجربی نشان داده است که سرمایه گذاران حرفه ای و غیرحرفه ای قادر به داخلی سازی اطلاعات در صورت های مالی غیرشفاف نمی باشند و صورت های مالی غیرشفاف کارایی قیمت را کاهش داده و عدم اطمینان را افزایش می دهد. صورتهای مالی پیچیده و غیرشفاف منعکس کننده انتخاب عامدانه توسط مدیریت برای مخفی نگهداشتن اطلاعات از سرمایه گذاران می باشد برای مثال مخفی نگاهداشتن عملکرد ضعیف شرکت (لی، ۲۰۰۸). در این مورد، مدیران تأثیرات منفی پیچیدگی صورتهای مالی را می پذیرند و انتظار نمی رود که برای سرمایه گذاران اطلاعات مکمل خارج از گزارش مالی مورد نیاز فراهم شود.

صورت های مالی پیچیده ممکن است پیچیدگی های تراکنش های مالی واحد تجاری را منعکس نماید و مرتبط با استانداردهای گزارشگری باشد. در این ارتباط، تأثیر منفی پیچیدگی صورتهای مالی منعکس کننده انتخاب عامدانه توسط مدیران نمی باشد. متعاقباً، در صورتی که پیچیدگی صورت های مالی منجر به کاهش کیفیت اطلاعات محیطی شود، تئوری اقتصادی نشان می - دهد که مدیران از سایر کانالهای افشا برای بهبود محیط اطلاعاتی استفاده می نمایند.

تیلور و ورچیا (۲۰۱۵) این موضوع را مورد بحث قرار دادند که چگونه عدم اطمینان در مورد جریان وجه نقد آتی برگرفته از دو نیرو می باشد - نوسانات واقعی جریان وجه نقد آتی (عدم اطمینان بنیادی) و دانش عمومی در مورد جریان وجه نقد (عدم اطمینان اطلاعاتی). هم افزایش در عدم اطمینان بنیادی و یا افزایش در عدم اطمینان اطلاعاتی در راستای افزایش عدم اطمینان کلی در مورد جریان وجه نقد آتی می باشد.

در گزارشات معمول شرکتها، واژگان متنی بیان کننده میزان افشا می باشد، به گونه ای که ۸۰٪ از گزارشات سالانه از واژگان تشکیل شده و مابقی واژگان که ۲۰٪ باقی مانده می باشد، از اعداد و ارقام تشکیل شده است. شفافیت اجزای اطلاعات منتشر شده به منظور درک و تفسیر اطلاعات شامل در گزارشات مالی مهم می باشد. اطلاعات ارائه شده با استفاده از یک ساختار واژگانی از دو بعد قابل تأمل است، مدیران شرکتها با استفاده از گزارشات مالی سالانه و با واژگانی که در گزارشات استفاده می -

کنند، اقدام به شفاف‌سازی وضعیت مالی شرکت می‌نمایند، از سویی نیز این ابزار ارائه گزارش می‌تواند بوسیله پیچیدگی واژگانی منجر به سوگیری در ارائه گزارشات و همچنین مدیریت سود شرکت شود.

هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان تأثیر دانشگاهیان حسابداری در هیأت مدیره بر قابلیت اتکای کیفیت اتکای گزارشات مالی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا اعضای دانشگاهی در هیأت مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد یا نه. نتایج انجام شده با استفاده از نمونه های چینی نشان می‌دهد که حضور اعضای دانشگاهی در هیأت مدیره منجر به افزایش کیفیت گزارش گری مالی می‌شود.

کو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین حضور اعضای دانشگاهی با عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت پرداختند. بررسی تجربی تحقیق با استفاده از نمونه های موجود نشان می‌دهد که حضور اساتید دانشگاهی در هیأت مدیره منجر به بالا رفتن عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت می‌شود.

فرانسیس و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیق خود به بررسی تأثیر حضور اعضای دانشگاهی بر عملکرد شرکت پرداختند. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که حضور اعضای دانشگاهی در هیأت مدیره تأثیر مثبت بر عملکرد مالی دارد.

وایت و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی این موضوع پرداختند که ترکیب هیأت مدیره چه تأثیری بر کیفیت گزارشگری شرکت دارد. نتایج تحقیق این محققین نشان می‌دهد که حضور افرادی از رشته های مهندسی، پزشکی و حرفه های مرتبط با فعالیت شرکت منجر به افزایش عملکرد و فروش شرکت می‌شود ولی تأثیری بر کیفیت گزارشگری شرکت ندارد.

ماریا و گارسیا مکا (۲۰۱۴) در مقاله خود با عنوان سرمایه گذاران نهادی در هیأت مدیره و کمیته حسابرسی و تأثیرات آن بر کیفیت گزارشگری مالی به این نتیجه رسیدند که اعضای هیأت مدیره نهادی بازوی نظارتی قوی برای کنترل موثر بر شرکت می باشند که منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی می گردد. بنابراین به احتمال بسیار پایین گزارش تعدیلی دریافت خواهد کرد.

مازی (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابطه میان مالکیت/ کنترل/ مدیریت خانوادگی و عملکرد موسسه پرداخت و تاکید خود را بر روابط مالی قرار داد. در این پژوهش با هدف بازسازی چارچوب مفهومی موجود و مدون کردن سطح فعلی آگاهی، سعی در متمایز ساختن یافته های با پشتوانه از یافته های فاقد پشتوانه علمی لازم نمود. در این راستا ۲۳ پژوهش که در معتبرترین پایگاه های اطلاعاتی حوزه علوم اجتماعی به عنوان بررسی های سیستماتیک طبقه بندی شده بودند انتخاب گردیدند. عدم هماهنگی در پژوهش های قبل باعث شد که رابطه میان کسب و کار خانوادگی و عملکرد شرکت، پیچیده و به احتمال زیاد به خاطر عدم حضور برخی از عوامل در این پژوهش ها با ابهام و عدم قطعیت روبرو شود.

بلاک، جاس کیویچ و میلر (۲۰۱۱) با به کارگیری تئوری نمایندگی اثرات مالکیتی خانواده و موسس را با اثرات مدیریتی مورد مقایسه قرار می دهند. با استفاده از تجزیه و تحلیل بیز ایشان دریافتند در آنجایی که مالکیت خانواده و موسس منجر به عملکرد ممتاز گردیده، نتایج مدیریت خانواده و حتی موسس دارای ابهام بیشتری است. جگی و همکاران (۲۰۰۹) به این موضوع پرداختند که آیا همان رابطه معکوسی که بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت عایدات در ایالات متحده و بریتانیا وجود دارد در هنگ کنگ هم وجود دارد یا خیر. سرمایه گذاران مایلند بدانند که چگونه استقلال هیئت مدیره باعث بهبود کیفیت عایدات می‌شود. هیئت مدیره مستقل با در نظر گرفتن مدیریت عایدات خواهان نظارت شدید بر رفتار مدیریت است؛ این امر منجر به بهبود کیفیت عایدات می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود همگام با استقلال بیشتر هیئت مدیره، مدیریت عایدات کمتر و کیفیت عایدات بالاتر باشد. به علاوه در این مقاله بررسی شده است که آیا کنترل مالکیت خانوادگی و یا حضور اعضای خانواده در هیئت مدیره شرکت، اثر بخشی نظارت هیئت مدیره مستقل را تعدیل می‌کند یا خیر. دو دیدگاه متضاد در این زمینه وجود دارد. اول اینکه کنترل خانوادگی به مدیریت عایدات بیشتر منجر نمی‌شود چرا که خانواده ها، توانایی مدیران را برای دستکاری عایدات محدود می نمایند و به علاوه فشار کمتری بر روی مدیر برای اینکه مدیریت عایدات در کوتاه مدت مطلوب جلوه نماید وجود خواهد داشت چرا که کنترل خانوادگی به دنبال منافع بلندمدت برای شرکت است.

نتایج پژوهشهای انجام شده توسط امیهود و مندلسون (۱۹۸۶)، ایسلی و اوهارا (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که افزایش کیفیت اطلاعات مالی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه، کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام منجر می‌شود. همچنین پژوهشهای انجام شده توسط هیلی، هاتون و پالپو (۱۹۹۹) بیانگر آن است که بهبود گزارشگری مالی موجب افزایش درجه نقدشوندگی سهام و بهبود عملکرد سهام می‌شود.

ورکچیا و لئوز (۲۰۰۴) نشان دادند که کیفیت پایین گزارشگری مالی منجر به ایجاد ریسک اطلاعات و افزایش هزینه سرمایه می‌شود. سان (۲۰۰۵) پژوهشی انجام داد که نتایج آن نشان می‌دهد، پیش‌بینی کیفیت بالا برای گزارشگری مالی در زیرساختهای قانونی، سیاسی و اقتصادی موجب بهبود کارایی تخصیص سرمایه می‌شود. رج گوپال و ون کاتاجلم (۲۰۰۵) نشان دادند که کیفیت گزارشگری مالی از لحاظ آماری با نوسانات بازده سهام دارای رابطه منفی می‌باشد. وردی (۲۰۰۶) در پژوهشی اثبات نمود که گزارشگری مالی با کیفیت به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.

ستایش و ابراهیمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان رابطه بین نوع مالکیت نهادی و کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی رابطه بین انواع مالکیت نهادی شامل مالکیت نهادی اختصاصی، شبه شاخصی و گذرا با کیفیت افشا می‌پردازند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که انواع مالکان نهادی به گونه‌ای متفاوت بر کیفیت افشا اثر می‌گذارند. نتایج بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت نهادی اختصاصی و کیفیت افشا و رابطه منفی و معنادار بین مالکیت نهادی گذرا و کیفیت افشا است؛ اما رابطه معناداری بین کیفیت افشا و مالکیت نهادی شبه شاخصی مشاهده نشد.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان رابطه ساز و کارهای راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی به بررسی و تبیین رابطه بین راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه معنی دار میان راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی است. به این صورت که با افزایش میزان متغیرهای راهبری شرکتی شاخص‌های کیفیت سود بهبود یافته و کیفیت گزارشگری مالی هم افزایش می‌یابد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان مالکیت خانوادگی، ترکیب هیأت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسید که رابطه معناداری بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی وجود ندارد و مالکیت خانوادگی نیز تأثیر معناداری بر رابطه بین این دو متغیر ندارد.

خواجوی، بایزیدی و جبارزاده کنگرلویی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای کیفیت گزارشگری شرکت‌های درمانده و غیر درمانده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های غیر درمانده مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مقایسه با شرکت‌های درمانده مالی پایینتر بوده ولی از پایداری کمتری برخوردار است. از یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که یا شرکت‌های غیر درمانده مالی فعال در بورس اوراق بهادار تهران مبادرت به دستکاری سود می‌کنند و یا شرایط نامساعد اقتصادی در کشورمان، پیش‌بینی جریانهای نقد آتی را دچار مشکل کرده و باعث کاهش کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های غیر درمانده مالی فعال در بورس طبق نتایج این پژوهش شده است.

اسماعیل زاده، مقری، جلیلی و زند عباس آبادی (۱۳۹۰)، نشان دادند رابطه معنی دار مثبتی بین درصد مالکیت سهامداران نهادی، تعداد بلوک سهامداران عمده، درصد مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره، عدم وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره و اندازه حسابرس شرکت و کیفیت سود وجود دارد.

مهرانی و صفر زاده (۱۳۹۰) نشان دادند راهبری شرکتی با معیارهای کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، هموارسازی سود و محافظه کاری سودارتباط منفی معنادار و با معیارهای توان پیش‌بینی سود و به موقع بودن سود ارتباط مثبت معنادار دارد اما با معیار ارتباط ارزشی سودارتباط معناداری ندارد.

۳. فرضیه‌های پژوهش:

بین خوانش متن صورتهای مالی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد.

۴. متغیرها و مدل پژوهش:

متغیرهای این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، به سه گروه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی تقسیم می‌شوند.

$$Fog_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EM_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در این مدل:

متغیرهای مستقل:

EM = مدیریت سود؛

با بررسی مطالعات پیشین، از نسخه اصلاح شده مدل جونز برای به دست آوردن ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده است که در حال حاضر، این روشی پذیرفته شده و محبوب برای بررسی مدیریت ارقام تعهدی در مقالات می باشد (داتا و همکاران، ۲۰۱۳). در این روش، ارقام تعهدی اختیاری طی دو مرحله برآورد می شوند. در ابتدا، متغیر کل ارقام تعهدی (که تفاوت بین سود خالص و جریان وجه نقد عملیاتی است) در رگرسیون متشکل از متغیرهای کلیدی که انتظار می‌رود بر آن تأثیر گذارند، قرار می‌گیرد. به صورت زیر: (داتا و همکاران، ۲۰۱۳).

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \frac{1}{A_{it-1}} + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta AR_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} + \alpha_4 \frac{Netincome_{it-1}}{A_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

که در آن، i شاخص شرکت و t شاخص زمان، TA_{it} سود خالص منهای جریان وجه نقد ناشی از عملیات، ΔREV_{it} تغییر در فروش، ΔAR_{it} تغییر در حساب‌های دریافتی و PPE_{it} کل اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، و $At-1$ دارایی‌های شرکت در سال قبل است. از ضرایب برآورده شده 1α ، 2α ، 3α و 4α برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری به شکل زیر استفاده می‌گردد (داتا و همکاران، ۲۰۱۳).

$$DA_{it} = \varepsilon_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(\alpha_1 \frac{1}{A_{it-1}} + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta AR_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} + \alpha_4 \frac{Netincome_{it-1}}{A_{it-1}} \right)$$

مقادیر بالاتر ارقام تعهدی اختیاری، به مدیریت سود بیشتر تفسیر می‌گردد. از آنجا که ارقام تعهدی اختیاری می‌توانند مثبت (زمانیکه شرکت، سود را متورم می‌کند) یا منفی (زمانیکه در سالهای خوب مدیران سود را برای استفاده آتی، پنهان می‌کنند) باشند و هر دو حالت نشان دهنده مدیریت سود است، لذا از قدرمطلق مقدار به دست آمده، استفاده می‌شود. تعداد واژگان در هر جمله بعنوان نسبتی از تعداد کل واژگان تقسیم بر تعداد جملات در گزارش می‌باشد. واژگان پیچیده هم واژگانی هستند که سه یا چند سیلاب دارند. جملات طولانی و جملاتی با واژگان پیچیده fog را افزایش می‌دهد به این معنا که منجر به کاهش شفافیت می‌شود.

متغیر کنترلی:

Size: برابر با لگاریتم طبیعی کل داراییهای شرکت می‌باشد

MTB: ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق مالکان سهام

Lev: برابر با کل بدهی‌های بلند مدت به کل داراییها

۵. جامعه و نمونه آماری:

جامعه آماری این پژوهش کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۵ (دوره ۴ ساله) است که با استفاده از روش حذفی (غربالگری)، تنها شرکت‌هایی بررسی که تمام شرایط زیر را داشته‌اند به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. این شرایط به شرح زیر است:

۱- تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

۲- شرکت‌ها نایستی سال مالی خود را در طی دوره مورد نظر تغییر داده باشند.

۳- اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش را در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۵ به طور کامل ارائه کرده باشند.

۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و واسطه‌گری مالی نباشد.

۵- هر صنعت دارای حداقل ۳ شرکت در نمونه مورد بررسی باشد.

با توجه به شرایط فوق‌الذکر، ۷۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب و بررسی گردید.

روش پژوهش و گردآوری داده‌ها:

این تحقیق از جنبه هدف، از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌رود، زیرا نتایج حاصل از آن می‌تواند در تصمیمات مدیران، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مورد استفاده قرار گیرد. همچنین از بعد نحوه استنباط در خصوص فرضیه‌های پژوهش، در گروه تحقیقات توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد، زیرا جهت کشف روابط بین متغیرهای تحقیق، از تکنیک‌های رگرسیون و همبستگی استفاده خواهد شد که به این ترتیب، از نظر استدلالی، استدلال استقرایی است. همچنین، از آنجایی که از طریق آزمایش داده‌های موجود به نتیجه‌ای خواهیم رسید، تحقیق ما در گروه تئوری‌های اثباتی قرار خواهد گرفت. در این پژوهش داده‌های تحقیق از طریق صورتهای مالی و یادداشت‌های پیوست و نرم‌افزار رهاورد نوین جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۷. تحلیل داده‌های پژوهش :

۷-۱. بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

نتایج پایایی متغیرهای پژوهش در نگاره ۱ ارائه شده است. بر اساس آزمون‌های ریشه واحد^۴ از نوع آزمون لوین، لین و چو^۵ چون مقدار P-Value کم‌تر از ۰.۵٪ بوده است، کل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی پژوهش در سطح^۶ پایا بوده‌اند. پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است.

نگاره ۱ آزمون پایایی (ایستایی) متغیرهای دوره پژوهش

آماره پایایی متغیرها	مقدار آماره لوین، لین و چو	احتمال آماره لوین، لین و چو
خوانایی (FOG)	-۱۲/۲۶	۰/۰۰۰۰
مدیریت سود (EM)	-۱۷/۳۷	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت (SIZE)	-۲۴/۱۱	
اهرم مالی (LEV)	-۲۵/۶۲	۰/۰۰۰۰
ارزش دفتری به بازار (MTB)	-۱۷/۹۵	۰/۰۰۰۰

۷-۲. بررسی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره ۲ ارائه شده است.

نتایج آماره جاک برا حاکمی از نرمال بودن متغیرهای وابسته پژوهش است

نگاره ۲ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سطح کل شرکت‌ها

معیارها متغیرها	تعداد	میانگین	میان	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	آماره جاک برا	احتمال جاک برا
خوانایی (FOG)	۳۰۸	۵/۳۶	۵/۲۳	۱۲/۰۶	۰	۲/۱۹	۱/۲۹	۰/۴۱
مدیریت سود (EM)	۳۰۸	۰/۱۴	۰/۰۶	۳/۶۶	۰/۳۵	۰/۳۸	۴/۶۳	۰/۰۰
اندازه شرکت (SIZE)	۳۰۸	۲۶/۹۶	۲۶/۸۸	۳۲/۳۴	۲۳/۲۶	۱/۵۸	۵۸/۱۲	۰/۰۰
اهرم مالی (LEV)	۳۰۸	۱/۷۲	۱/۰۶	۸/۲۲	۰/۲۰	۱/۸۰	۵۰۷/۵	۰/۰۰
ارزش دفتری به بازار (MTB)	۳۰۸	۱/۴۲	۱/۸۴	۲/۱۶	-۱/۵۶	۳/۳۵	۸۷/۰۳	۰/۰۰

⁴ Unit Root Tests

⁵ Levin, Lin & Chu

⁶ Level

۳-۷. بررسی همبستگی بین متغیرها در سطح کل شرکتها

در ابتدا، به بررسی همبستگی پیرسون و اسپیرمن متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود. نتایج آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن متغیرهای مستقل و وابسته خام در نگاره شماره ۳ ارائه شده است. همان‌طور که در نگاره ۳ مشهود است، متغیر خوانایی، دارای همبستگی معنادار با مدیریت سود می‌باشند. البته لازم به یادآوری است که آزمون همبستگی تنها برای کسب اطلاعات اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون خطی استفاده خواهد شد.

نگاره ۳ همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای خام پژوهش		
اسپیرمن	پیرسون	
۰/۲۳۵**	۰/۲۴۲**	خوانایی (FOG)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
۰/۰۸۱*	۰/۱۰۵**	مدیریت سود (EM)
۰/۰۰۵	۰/۰۱۱	
-۰/۰۱۲	-۰/۰۱۶	اندازه شرکت (SIZE)
۰/۷۸۳	۰/۷	
-۰/۰۶۳	-۰/۰۷۶	اهرم مالی (LEV)
۰/۱۲۸	۰/۰۶۳	
۰/۰۰۲	۰/۰۱۷	ارزش دفتری به بازار (MTB)
۰/۹۶۴	۰/۶۸۸	

۴-۷. بررسی هم خطی

یکی از راه‌هایی که برای بررسی هم خطی انجام می‌شود محاسبه عامل تورم واریانس VIF^y می‌باشد. VIF گزارش شده برای هر متغیر، به منظور نشان دادن، ثبات مدل رگرسیون است، VIF به طور منفی‌ای با ثبات مدل رگرسیون در ارتباط است. اگر مقدار بدست آمده بیشتر از ۵ یا به تعبیری کمتر از ۱ باشد مشکل هم خطی وجود دارد. که نتایج حاصل آن در نگاره ۴ آورده شده است.

نگاره ۴ نتایج حاصل از مقادیر VIF

مقدار (VIF)	متغیرها
۱/۲۱۱۸۷۰۵۸۹۰۴	خوانایی (FOG)
۱/۳۷۲۳۶۳۹۰۶۴۵	مدیریت سود (EM)
۱/۶۵۷۱۱۰۶۱۳۲۲	اندازه شرکت (SIZE)
۱/۶۳۹۸۹۲۷۷۹۲۷	اهرم مالی (LEV)
۱/۳۴۲۱۳۰۵۸۳۷۲	ارزش دفتری به بازار (MTB)

۵-۷. آزمون فرضیه پژوهش

قبل از آزمون فرضیه فوق، به انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیونی پرداخته شده است. ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر به انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های ترکیبی پرداخته شده است. نتیجه آزمون F لیمر در نگاره ۵ ارائه شده است. مقدار احتمال آماره F لیمر در جدول ۵ کم‌تر از سطح معنی‌داری ۵٪ بوده و لذا، برای آزمون فرضیه اول استفاده از روش داده‌های تلفیقی منتفی است.

نگاره ۵ انتخاب داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های ترکیبی

مدل	$Fog_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EM_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$		
احتمال آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	نوع آزمون
۰/۰۰۰۰	۱/۳۹۵	(۱۱۲ و ۱۱۳۴)	F لیمر

به دلیل عدم انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های ترکیبی به انجام آزمون هاسمن به منظور انتخاب الگوی اثرات ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی پرداخته شده است. نتیجه آزمون هاسمن در نگاره ۵ ارائه شده است. مقدار احتمال آماره هاسمن در نگاره ۶ کم‌تر از سطح معنی‌داری ۵٪ می‌باشد؛ لذا، دلیل کافی برای رد الگوی اثرات ثابت نداریم و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از الگوی اثرات ثابت استفاده می‌کنیم.

نگاره ۶ انتخاب الگوی اثرات ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی

مدل	$Fog_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EM_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$		
احتمال آماره آزمون	مقدار آماره خی‌دو	درجه آزادی خی‌دو	نوع آزمون
۰/۰۰۰	۱۹/۳۵	۷	هاسمن

نگاره ۷ نتایج آزمون فرضیات تحقیق

آماره‌ها		ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t	
متغیرها					
مقدار ثابت		۱/۶۲	۱/۶۷	۰/۰۹۴۸	
مدیریت سود (EM)		-۰/۴۷	-۲/۳۴	۰/۰۰۰۳	
اندازه شرکت (SIZE)		۰/۰۵	۲/۷۸	۰/۰۰۰۰	
اهرم مالی (LEV)		۱/۴۷	۳/۳۶	۰/۰۰۰۷	
ارزش دفتری به بازار (MTB)		۰/۰۳	۲/۲۷	۰/۰۰۰۰	
ضریب تعیین	مقدار جاک‌برا باقیمانده	احتمال جاک‌برا باقیمانده	ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره F	آماره دوربین- واتسون
۰/۳۲	۱/۹۴۱	۰/۴۱۹	۰/۲۶	۰/۰۰۰۰	۲/۱۸

نتایج بدست آمده برای فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر مدیریت سود، کمتر از ۰/۰۵ یعنی برابر با ۰/۰۰۰ و آماره t آن بیشتر از $\pm 1/96$ (یعنی برابر با $-2/34$) است، ارتباط آن با قابلیت خوانایی (معیار ابهام و پیچیدگی)، معنادار می‌باشد. بر همین اساس نیز فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین قابلیت خوانش گزارشات مالی و مدیریت سود شرکت ارتباط معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود. همانطور که مشهود است، آماره دوربین- واتسون ۲/۱۸ است که بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. ضمناً سطح معناداری آماره F نیز ۰/۰۰۰ است که پایین‌تر از ۰/۰۵ بوده و نشان از معناداری مدل دارد. دیگر نکته قابل توجه

در نمودار شماره ۷، ضریب تعیین مدل می‌باشد. ضریب تعیین مدل فوق در حدود ۳۲ درصد است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح حدود ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

صورت‌های مالی پیچیده ممکن است پیچیدگی‌های تراکنش‌های مالی واحد تجاری را منعکس نماید و مرتبط با استانداردهای گزارشگری باشد. در این ارتباط، تأثیر منفی پیچیدگی صورتهای مالی منعکس کننده انتخاب عامدانه توسط مدیران نمی‌باشد. متعاقباً، در صورتی که پیچیدگی صورت‌های مالی منجر به کاهش کیفیت اطلاعات محیطی شود، تئوری اقتصادی نشان می‌دهد که مدیران از سایر کانالهای افشاء برای بهبود محیط اطلاعاتی استفاده می‌نمایند.

تیلور و ورچیا (۲۰۱۵) این موضوع را مورد بحث قرار دادند که چگونه عدم اطمینان در مورد جریان وجه نقد آتی برگرفته از دو نیرو می‌باشد - نوسانات واقعی جریان وجه نقد آتی (عدم اطمینان بنیادی) و دانش عمومی در مورد جریان وجه نقد (عدم اطمینان اطلاعاتی). هم افزایش در عدم اطمینان بنیادی و یا افزایش در عدم اطمینان اطلاعاتی در راستای افزایش عدم اطمینان کلی در مورد جریان وجه نقد آتی می‌باشد.

در گزارشات معمول شرکت‌ها، واژگان متنی بیان کننده میزان افشا می‌باشد، به گونه‌ای که ۸۰٪ از گزارشات سالانه از واژگان تشکیل شده و مابقی واژگان که ۲۰٪ باقی مانده می‌باشد، از اعداد و ارقام تشکیل شده است. شفافیت اجزای اطلاعات منتشر شده به منظور درک و تفسیر اطلاعات شامل در گزارشات مالی مهم می‌باشد. اطلاعات ارائه شده با استفاده از یک ساختار واژگانی از دو بعد قابل تأمل است، مدیران شرکت‌ها با استفاده از گزارشات مالی سالانه و با واژگانی که در گزارشات استفاده می‌کنند، اقدام به شفاف‌سازی وضعیت مالی شرکت می‌نمایند، از سویی نیز این ابزار ارائه گزارش می‌تواند بوسیله پیچیدگی واژگانی منجر به سوگیری در ارائه گزارشات و سود شرکت شود.

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین قابلیت خوانش گزارشات مالی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. برای انجام این پژوهش تعداد ۷۵ شرکت بوسیله طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۲ بررسی شد. نتایج نشان داد که:

بین خوانش متن صورتهای مالی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد.

نتایج کسب شده در این تحقیق مشابه با تحقیق لی (۲۰۰۸) می‌باشد.

❖ منابع

خواجهی، شکرالله و امین ناظمی (۱۳۸۴)، بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام با تأکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۰، ص ۶۰-۳۷

خواجهی، شکراله و انور بایزیدی و سعید جبارزاده کنگرلویی (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت‌های درمانده و غیر درمانده مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۲، تابستان.

سجادی، حسین، منصور زراءنژاد و علیرضا جعفری (۱۳۸۸)، ویژگی‌های غیر مالی موثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷، ص ۵۱-۶۸

Ball, R., Jayaraman, S., Shivakumar, L., 2012. Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: a test of the confirmation hypothesis. *Journal of Accounting and Economics* 53, 136–166.

Bloomfield, R.J., 2002. The “incomplete revelation hypothesis” and financial reporting. *Accounting Horizons* 16, 233–243.

Bloomfield, R., 2008. Discussion of annual report readability, current earnings, and earnings persistence. *Journal of Accounting and Economics*, this issue.

- Bushee, B., Gow, I., Taylor, D., 2015. Linguistic complexity in firm disclosures: Obfuscation or information? Working Paper.
- Bushee, B., Miller, G., 2012. Investor relations, firm visibility, and investor following. *The Accounting Review* 87, 867-897
- Chen, S., Matsumoto, D., Rajgopal, S., 2011. Is silence golden? An empirical analysis of firms that stop giving quarterly earnings guidance. *Journal of Accounting and Economics* 51, 134-150.
- Gong, G., Li, L., Xie, H., 2009. The Association between management earnings forecast errors and accruals. *The Accounting Review* 84, 497-530.
- Gow, I., Ormazabal, G., and Taylor, D., 2010. Correcting for cross-sectional and time-series dependence in accounting research. *The Accounting Review*, 85, 483-512.
- Healy, P.M., Palepu, K.G., 2001. Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: a review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics* 31, 405-440.
- Glassman, C.A., 2005. Remarks at the Plain Language Association International's Fifth International Conference. <http://www.sec.gov/news/speech/spch110405cag.html>.
- Jones, M.J., Shoemaker, P.A., 1994. Accounting narratives: a review of empirical studies of content and readability. *Journal of Accounting Literature* 13, 142.
- KPMG, 2011. Disclosure overload and complexity: Hidden in plain sight.
- Lang, M., Lins, K., Maffett, M., 2012. Transparency, liquidity, and valuation: International evidence on when transparency matters most. *Journal of Accounting Research* 50, 729-774.
- Lang, M., Stice-Lawrence, L., 2015. Textual analysis and international financial reporting: Large sample evidence. *Journal of Accounting and Economics* 60, 110-135..
- Lebar, M.A., 1982. A general semantics analysis of selected sections of the 10-k the annual report to shareholders, and the financial press release. *The Accounting Review* 57, 176-189.
- Lee, Y., 2012. The effect of quarterly report readability on information efficiency of stock prices. *Contemporary Accounting Research* 29, 1137-1170.
- Lehavy, R., Li, F., Merkley K., 2011. The effect of annual report readability on analyst following and the properties of their earnings forecasts. *The Accounting Review* 86, 1087-1115.
- Monga, V., Chasan, E., 2015. The 109,894-Word Annual Report. *The Wall Street Journal*, Jun 2
- Schrand, C.M., Walther, B.R., 2000. Strategic benchmarks in earnings announcement: the selective disclosure of prior-period earnings components. *Accounting Review* 75, 151-177.
- Smith, J.E., Smith, N.P., 1971. Readability: a measure of the performance of the communication function of financial reporting. *The Accounting Review* 46, 552-561.
- Verrecchia, R., 1990. Information quality and discretionary disclosure. *Journal of Accounting and Economics* 12, 365-80.
- Verrecchia, R., 2001. Essays on disclosure. *Journal of Accounting and Economics* 32, 97-180.
- Taylor, D., Verrecchia, R., 2015. Delegated trade and the pricing of public and private information. *Journal of Accounting and Economics* 60, 8-32.